

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



دانشگاه شهید مطهری (ه)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق خصوصی

**عنوان:**

**بررسی اصل برائت با رویکرد نظارت استصوابی شورای نگهبان**

استاد راهنما:

دکتر سید صادق موسوی

اساتید مشاور:

دکتر سید ابوالقاسم نقیبی - دکتر محمد بهرامی خوشکار

نگارنده:

مرتضی بهرامی خوشکار

سال تحصیلی:

۱۳۹۷-۹۸

ب

## دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی

### دانشگاه شهید مطهری

با عنایت به سیاست‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه شهید مطهری در راستای ارج نهادن به فعالیت‌های علمی و پژوهشی و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه شهید مطهری و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله، و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

**ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها یا رساله‌های مصوّب دانشگاه متعلق به دانشگاه شهید مطهری است و هرگونه بهره‌برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه شهید مطهری و رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مصوب دانشگاه شهید مطهری باشد.**

**ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه یا رساله، به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی بایستی با نام دانشگاه بوده و استاد راهنما، نویسنده مسؤول مقاله باشد.**

**تبصره:** در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی به صورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه یا رساله نیز منتشر می‌شود، باید نام دانشگاه شهید مطهری درج شود.

**ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان‌نامه یا رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه شهید مطهری، باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و بر اساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.**

**ماده ۴- ثبت نظریه یا ارائه در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل از نتایج مستخرج از پایان‌نامه یا رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.**

## سپاسگزاری

ستایش و سپاس خداوند بی‌همتا و عالم بر نهان و هویدا

از استاد راهنما «جناب آقای دکتر سید صادق موسوی» به خاطر راهنمایی‌های مفید ایشان در طول دوران تحصیل و در طول این پژوهش، سپاسگزاری و تشکر می‌نمایم.

همچنین از «جناب آقای دکتر محمد بهرامی خوشکار» و «جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم نقیبی» که در دوره کارشناسی ارشد و در مراحل این پایان‌نامه، این جانب را از راهنمایی‌ها و نظرات ارزشمندشان بهره‌مند ساختند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

## تقدیم به

قطب عالم امکان، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فی فرجه  
الشریف و تقدیم به عالمان عامل، افتخارات بشر، سالکان صراط مستقیم،  
هدایت‌گران به حق، وارثان انبیا و شاهدان شهید که با خون خود درخت  
اسلام را آبیاری کردند و عند ربهم یرزقون ...

و تقدیم به خانواده‌ی مهربان و دلسوزم که هرچه دارم از آن‌هاست.

## چکیده:

اصل برائت در فقه امامیه، مستندات محکمی دارد، و فقیهان و حقوق‌دانان، این اصل را مرجع و مستندات آراء، نظرات و فتاوی خویشتن قرار داده‌اند و فقیهان در شبهات تحریمیه و وجوبیه از آن استفاده نموده‌اند و حقوق‌دانان به طور کلی در پرونده‌ها در ابتدای کار، اصل را بر برائت متهم قرار می‌دهند و همین‌طور در محاکم اگر بخواهند کسی را مقصر قلمداد کنند باید ثابت گردد که او به قوانین مصوب، پشت پا زده؛ در غیر این صورت، با استناد از اصل برائت، قاضی او را تبرئه می‌نماید. این اصل، از آنچنان اهمیتی برخوردار است که خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آن را به عنوان یک اصل در اصول قانون اساسی گنجانده‌اند و از این جهت، در نظرگاه قضات و حقوق‌دانان، اصل برائت از جایگاه محکم‌تری برخوردار گردید. بعد از شکل‌گیری نهاد محترم شورای نگهبان، بحث نظارت این شورا به میان آمد، که از نظارت به عنوان نظارت استصوابی تفسیر گردید و انتقاد‌های پاره‌ای از شهروندان و حقوق‌دانان بر این تفسیر، سبب آن شد که اصل برائت و اصل ۳۷ قانون اساسی در محافل حقوقی بعنوان یک قاعده علمی مسلم معرفی گردد. در این نوشتار اصل برائت را در فقه و قانون بررسی نموده و بحث برائت را در اصل ۳۷ قانون اساسی مد نظر قرار دادیم و بیان کردیم که شورای نگهبان در احراز صلاحیت‌ها الزامی ندارد که در تمام موارد از این اصل استفاده کند و کاربرد اصل ۳۷ بیشتر در محاکم قضایی و دادگاه‌های حقوقی و کیفری که احکام آن‌ها مربوط به حق الناس و حق الله است نمود پیدا می‌کند. در هر صورت در این نوشتار، یک بحث و تحلیل علمی و انتقادی منصفانه با در نظر گرفتن سایر آراء و اقوال ارائه داده ایم.

**واژگان کلیدی:** اصل برائت، شورای نگهبان، نظارت استصوابی، اصل ۳۷ قانون اساسی

## فهرست مطالب

مقدمه.....	ن
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱
گفتار اول: واژه شناسی.....	۳
۱- حالات مکلف.....	۳
۲- کاشفیت قطع، ظن و شک.....	۳
۳- احکام واقعی و احکام ظاهری.....	۵
۳-۱- احکام واقعی.....	۵
۳-۲- احکام ظاهری.....	۵
۴- احکام واقعی اولی و احکام واقعی ثانوی.....	۵
۵- اماره و اصل.....	۶
۶- شبهه حکمیه و شبهه موضوعیه.....	۷
۶-۱- شبهه حکمیه.....	۷
۶-۲- شبهه موضوعیه.....	۷
۷- شک در تکلیف و شک در مکلفیه.....	۸
۷-۱- شک در تکلیف.....	۸

۸-۲-۷- شک در مکلفه..... ۸

۸- اصل براءت..... ۹

۸-۱- معنی لغوی..... ۹

۸-۱-۱- اصل..... ۹

۸-۱-۲- براءت..... ۱۰

۸-۲- معنی اصطلاحی..... ۱۰

گفتار دوم : شورای نگهبان..... ۱۲

گفتار سوم : اقسام نظارت..... ۱۳

۱- نظارت استصوابی..... ۱۳

۲- نظارت استطلاعی..... ۱۳

گفتار چهارم : اصل ۳۷ قانون اساسی..... ۱۵

گفتار پنجم: تاریخچه‌ی بحث..... ۱۸

فصل دوم: ادله براءت..... ۲۰

گفتار اول: ادله براءت در شبهه حکمیه تحریمیه در صورت فقدان نص..... ۲۳

۱- ادله قرآنی..... ۲۳

۱-۱-۱- دلالت آیه بر براءت..... ۲۵



- ۲۵ ..... ۱-۲- آیه دوّم
- ۲۵ ..... ۱-۲-۱- دلالت آیه شریفه بر براءة
- ۲۶ ..... ۲- روایات
- ۲۶ ..... ۲-۱- حدیث رفع
- ۳۱ ..... ۲-۲- روایت دوم : حدیث سعه
- ۳۲ ..... ۲-۲-۱- دلالت روایت بر براءة
- ۳۲ ..... ۲-۲-۲- بررسی دلالت روایت بر براءة
- ۳۲ ..... ۲-۳- روایت سوم
- ۳۳ ..... ۲-۳-۱- دلالت روایت بر براءة
- ۳۴ ..... ۲-۴- روایت چهارم
- ۳۴ ..... ۲-۴-۱- دلالت حدیث بر براءة
- ۳۶ ..... ۲-۵- روایت پنجم
- ۳۶ ..... ۲-۵-۱- دلالت حدیث بر براءة
- ۳۷ ..... ۲-۶- روایت ششم: حدیث اطلاق
- ۳۷ ..... ۲-۶-۱- دلالت حدیث بر براءة
- ۳۹ ..... ۳- عقل و اجماع

گفتار دوم : شبهه حکمیه تحریمیه در اثر اجمال نص، تعارض دو نص ..... ۴۶

۱- اقسام شبهه ..... ۴۶

۲- شبهه حکمیه تحریمیه به جهت اجمال نص ..... ۴۷

۳- شبهه حکمیه تحریمیه به جهت تعارض دو نص ..... ۴۸

گفتار سوم: شبهه موضوعیه تحریمیه به جهت اشتباه امور خارجی ..... ۴۹

۱- جریان براءت ..... ۴۹

گفتار چهارم : براءت در شبهه وجوبیه ..... ۵۱

۱- مقدمه ..... ۵۱

۲- براءت در شبهه وجوبیه به جهت فقدان نص ..... ۵۲

۳- براءت در شبهه وجوبیه به جهت اجمال نص ..... ۵۲

۴- براءت در شبهه وجوبیه به جهت تعارض دو نص ..... ۵۳

۵- براءت در شبهه وجوبیه به جهت اشتباه در موضوع خارجی ..... ۵۳

فصل سوم: نظارت استصوابی ..... ۵۵

گفتار اول: شورای نگهبان ..... ۵۷

۱- نهادهای مشابه در کشورهای دیگر ..... ۵۸

۲- اعضای شورای نگهبان ..... ۵۹

۳- وظایف شورای نگهبان..... ۶۰

۳-۱- وظایف مختص به فقهای شورای نگهبان..... ۶۰

۳-۲- وظایف نهاد شورای نگهبان..... ۶۱

گفتار دوم : نظارت استصوابی ..... ۶۲

۱- سابقه فقهی نظارت استصوابی و استطلاعی..... ۶۲

۲- ضرورت نظارت بر انتخابات..... ۶۳

۳- واگذاری نظارت به شورای نگهبان..... ۶۴

۴- نظارت استصوابی شورای نگهبان..... ۶۵

۵- ادله اثبات نظارت استصوابی..... ۶۶

۶- نظارت استصوابی در زمان حضرت امام (ره)..... ۶۵

گفتار سوم: روند نظارت استصوابی بر انتخابات ..... ۷۰

۱- نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی..... ۷۰

۱-۱- کلیات نظارت..... ۷۱

۱-۲- نحوه برگزاری انتخابات..... ۷۲

۱-۳- اعلام نتیجه و اعتبار نامه..... ۷۲

۲- نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان..... ۷۳

- ۲-۱- نظارت بر ثبت نام داوطلبین و صلاحیت داوطلبین..... ۷۳
- ۲-۲- نظارت بر انتخابات و عوامل اجرایی ..... ۷۴
- ۲-۳- نظارت بر جریان انتخابات..... ۷۴
- ۲-۴- ابطال انتخابات..... ۷۵
- ۳- نظارت بر همه پرسی و مراجعه به آراء عمومی..... ۷۵
- ۴- نظارت بر داوطلبین و انتخابات ریاست جمهوری..... ۷۶
- ۴-۱- نظارت بر صلاحیت داوطلبین..... ۷۶
- ۴-۲- نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری..... ۷۶
- گفتار چهارم: جنبه حقوقی تفسیر شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی..... ۷۹
- گفتار پنجم: اصل ۳۷ قانون اساسی..... ۸۹
- ۱- اصل برائت..... ۹۱
- ۱-۱- اصل برائت در قانون اساسی..... ۹۵
- ۱-۲- اصل برائت در قانون آئین دادرسی کیفری..... ۹۶
- ۱-۳- اصل برائت در قانون مدنی..... ۹۹
- ۱-۴- جایگاه اصل برائت ..... ۱۰۰
- ۱-۴-۱- اصل برائت در مرحله قانون گذاری..... ۱۰۰
- ۱-۴-۲- اصل برائت در مرحله قضایی..... ۱۰۱

۱-۵- آثار اصل برائت..... ۱۰۱

۱-۶- اهداف اصل برائت..... ۱۰۳

۲- اصل برائت در قانون سایر کشورها..... ۱۰۴

۳- اثبات جرم در دادگاه صالح..... ۱۰۵

۴- معنی و مفهوم دادگاه صالح..... ۱۰۶

۵- منظور از عبارت «از نظر قانون»..... ۱۰۶

گفتار ششم: جایگاه اصل ۳۷ قانون اساسی در علم اصول فقه..... ۱۰۸

گفتار هفتم: استثناء بر اصل ۳۷ قانون اساسی و اصل برائت..... ۱۱۲

۱- قسامه..... ۱۱۴

۲- جرایم علیه امنیت ملی..... ۱۱۶

۳- ثروت های مشکوک..... ۱۱۷

گفتار هشتم: احراز صلاحیت..... ۱۲۰

نتیجه گیری..... ۱۳۰

منابع و مآخذ..... ۱۳۶

## مقدمه

### ۱) بیان مسئله

اصل برائت در فقه امامیه، مستندات محکمی دارد، که از جمله می‌توان به حدیث شریف رفع و قاعده قبح عقاب بلا بیان اشاره نمود و فقیهان و حقوق‌دانان در طول تاریخ، این اصل را مرجع و مستندات آرا، نظرات و فتاوی‌ای خویش قرار داده‌اند و فقیهان در شبهات تحریمیه و وجوبیه از آن استفاده نموده‌اند و حقوق‌دانان به طور کلی در پرونده‌ها در ابتدای کار، اصل را بر برائت متهم قرار می‌دهند و همین‌طور در محاکم اگر بخواهند کسی را مقصر قلمداد کنند باید ثابت گردد که او به قوانین مصوب، پشت پا زده؛ در غیر این صورت، با استناد از اصل برائت، قاضی او را تبرئه می‌نماید. این اصل، از آنچنان اهمیتی برخوردار است که خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آن را به عنوان یک اصل در اصول قانون اساسی گنجانده‌اند و از این جهت، در نظرگاه قضات و حقوق‌دانان، اصل برائت از جایگاه محکم‌تری برخوردار گردید.

لازم به ذکر است، بعد از شکل‌گیری نهاد محترم شورای نگهبان، بحث نظارت این شورا به میان آمد، که از نظارت به عنوان نظارت استصوابی تفسیر گردید و در این راستا، با انتقاد تعدادی از حقوق‌دانان روبرو گردید که در این تفسیر، از این اصل پیروی نشده است.

در این نوشتار در صدد هستیم که اصل برائت را در فقه و قانون بررسی نموده و تفسیر شورای نگهبان را نیز در این راستا مدنظر داشته باشیم و بحث برائت را در قانون اساسی از دو منظر نگاه کنیم: اول اینکه آیا فقیهان شورای نگهبان در تبیین نظارت استصوابی لازم است که این اصل را مدنظر قرار دهند و بیان نمایند که اگر نماینده‌ای فاقد سوء پیشینه بود، حکم به تأیید صلاحیت آن نماینده؛ دوم اینکه بیان کنیم که اصولاً فقیهان شورای نگهبان در احراز صلاحیت‌ها لازم نیست از این اصل استفاده کنند؛ زیرا هدف آن‌ها این است که شخصی را که می‌تواند برای حکومت و مجلس مفید باشد، تأیید نمایند، و به صرف شک و شبهه و اینکه این فرد فعلاً سوء پیشینه‌ای ندارد، نمی‌توان اکتفا کرد و اصل ۳۷ قانون اساسی (اصل برائت) از احراز صلاحیت‌ها انصراف دارد و مخصوص محاکم قضایی و دادگاه‌های حقوقی و کیفری که احکام آن‌ها مربوط به حق‌الناس و حق‌الله است، می‌باشد. خلاصه اینکه این جانب، علاوه بر تبیین و تشریح این اصل در فقه و قانون اساسی، ضمن بحث رویکرد شورای نگهبان در احراز صلاحیت‌ها با تکیه به تفسیر استصوابی، در نظر دارم یک بحث و تحلیل علمی و انتقادی منصفانه با در نظر گرفتن سایر آرا و اقوال داشته باشم.

در توضیح مطالب بالا بیان می‌داریم که در اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری مجلس شورای اسلامی و مراجعه به

آرای عمومی و همه‌پرسی را به عهده دارد. در اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز آمده است: تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

در اصل ۹۹ آمده است که نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است. به نظر می‌رسد از لحاظ نظری، سه نوع نظارت را می‌توان ترسیم نمود:

۱- نظارت استطلاعی که هدف، اطلاع و آگاهی ناظر است.

۲- نظارت استرجاعی که مسئله مورد نظر را جهت رسیدگی به مرجع صلاحیت‌داری مثل مرجع قضایی، ارجاع می‌دهد.

۳- نظارت استصوابی که در این نوع نگاه، شورای نگهبان علاوه بر اینکه نظارت می‌کند، خودش هم رأی نهایی را می‌دهد. در واقع، در این نوع نظارت، نظارت شورای نگهبان، یک نظارت درون‌گرا است؛ یعنی در مواردی که نظارت به خود نهادی واگذار شده باشد، خودش علاوه بر اینکه نظارت بنماید، رأی نهایی را نیز می‌دهد و مثل بازرسی کل کشور نمی‌باشد که نتیجه کار خود را به قوه قضاییه ارجاع دهد.

در هر صورت، شورای نگهبان پس از بحث و جدل‌ها و فراز و نشیب‌ها، نظارت استصوابی را به عنوان نظارت خود، قبول نمود و اکنون، سال‌ها است که بر اساس این نوع نگاه، صلاحیت داوطلبان مجلس خبرگان رهبری و داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی را بررسی نموده و پس از احراز صلاحیت، به آن‌ها حق ثبت‌نام می‌دهد و در صورتی که صلاحیت آن‌ها را احراز ننماید، ثبت‌نام آن‌ها را مردود اعلام می‌دارد.

اندکی تأمل در مطالب بالا نشان می‌دهد که شورای نگهبان در هنگام نظر داشتن به پیشینه داوطلبان، علاوه بر اصل براءت، اصول و قواعد دیگری را نیز مدنظر قرار می‌دهد؛ زیرا اگر اصل ۳۷ قانون اساسی را مبنای کار خود قرار می‌داد، علی‌القاعده باید در مورد اشخاصی که صلاحیت آن‌ها تأیید نمی‌گردد، رأی قضایی صادر نماید، و این از دو جهت قابل‌خداشه است: جهت اول اینکه شورای نگهبان، یک مرجع قضایی نیست تا اینکه رأی قضایی صادر نماید؛ جهت دوم اینکه هنگام صدور رأی قضایی، خصوصاً اگر شخص مجرم باشد، باید مدرک آن بیان گردد و حال آنکه شورای نگهبان هیچ التزامی به ارائه مدرک ندارد. پس رویکرد شورای نگهبان در نظارت استصوابی، علاوه بر آنکه قضایی نیست، مستندات رأی خود را نیز اصول قضایی قرار نداده است، اگرچه ممکن است از مراجع قضایی جهت رد یا تأیید صلاحیت کسی استعلام نماید.

در هر صورت، شورای نگهبان در هنگام تأیید صلاحیت افراد، ممکن است در پاره‌ای از موارد، از براءت شرعی استفاده نماید، ولی در مواردی دیگر که پای مصالح عالی کشور و آحاد مردم در کار است، به طور قطع، از اصل براءت استفاده نمی‌کند و به گمان این جانب، اصل ۳۷ قانون اساسی چه بسا مربوط به جایی باشد که اقتضای صدور رأی توسط محاکم را دارد و نمی‌تواند این ایراد را بر شورای نگهبان گرفت که چرا

در تأیید صلاحیت‌ها این اصل را مورد نظر قرار نمی‌دهد؛ زیرا شورای نگهبان اصلاً در مقام صدور رأی قضایی نیست.

### ب) انگیزه‌ی انتخاب موضوع

با عنایت به اهمیت فراوان مسئله‌ی انتخابات و احراز صلاحیت‌ها و رد و تأیید نامزدهای انتخاباتی و ایراداتی که بعد از احراز صلاحیت‌ها و انتخابات به شورای نگهبان و نظارت آنان بر انتخابات از ابتدای آن تا انتهای انتخابات، به پژوهش در این زمینه اقدام نمودم.

### ج) ضرورت پژوهش

در آستانه‌ی انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی و یا ریاست جمهوری، سؤال‌ی در بین اهل سیاست مطرح می‌شود که در تأیید صلاحیت‌های نامزدها، آیا ملاک، اصل براءت است یا احراز صلاحیت؟

دسته‌ی اول اعتقاد دارند اگر دلیلی بر عدم صلاحیت شخصی نداشته باشیم، باید بر اساس اصل براءت، صلاحیت آن شخص تأیید شود. دسته‌ی دوم اعتقاد دارند برای تأیید صلاحیت اشخاص، باید دلیل بر صلاحیت داشته باشیم. اما حق با کیست؟

مقصود از اصل براءت در مورد دسته اول، این است که هرگاه ما در صدور جرم از جانب شخصی شک داشته باشیم، موظف هستیم که در صورت فقدان دلیل محکمه‌پسند، او را از انتساب آن جرم مبری دانسته و حکم به بی‌گناهی او داشته باشیم. این مطلب را همه‌ی عقلای عالم قبول دارند. منتها یک سؤال‌ی در اینجا باید از دسته اول پرسید که آیا با اجرای اصل براءت، صلاحیت افراد نیز ثابت می‌شود؟ برای مثال، اگر ما شک کردیم در فسق شخصی و بعد از آن، اصل براءت را جاری کنیم، آیا عدالت آن شخص ثابت می‌شود یا اینکه باید دنبال دلیلی بر عدالتش باشیم؟

با توجه به اینکه تا کنون در هیچ یک از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های نوشته‌شده، تحقیق و توجهی به این موضوع نشده و مورد بررسی قرار نگرفته است، و از طرف دیگر، موضوعی بسیار مهم و کاربردی و مؤثر می‌باشد، بررسی و پژوهش در این مورد، ضروری به نظر می‌رسد.



#### د) سؤالات اصلی پژوهش

- ۱- جایگاه اصل برائت در نظارت استصوابی چیست؟
- ۲- شورای نگهبان در نظارت استصوابی از چه اصول و قواعدی پیروی می‌نماید؟

#### ه) سؤالات فرعی پژوهش

- ۱- نظارت استصوابی چگونه تعریف می‌گردد؟
- ۲- اصل ۳۷ قانون اساسی که مبنای برائت است در نظام حقوقی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، چه کاربردی دارد؟

#### و) فرضیه‌های اصلی پژوهش

۱- اصل برائت در نظام فقهی و حقوقی ایران، جایگاه بسیار مهمی در فتاوی فقہیان و آرای حقوق‌دانان دارد، به طوری که در هنگام فقدان دلیل، اجمال یا تعارض، مستندات آرای آنان قرار می‌گیرد. در نظارت استصوابی بر داوطلبان چه بسا از اصل برائت یا اصول و قواعد دیگری که صلاحیت آنها را احراز نماید استفاده کنند.

۲- شورای نگهبان در نظارت استصوابی، علاوه بر اصل ۳۷ قانون اساسی و اصل برائت، می‌تواند از اصول و قواعدی دیگری پیروی نماید که نتیجه احراز صلاحیت داوطلب باشد.

#### ز) فرضیه‌های فرعی پژوهش

۱- نظارت استصوابی یعنی علاوه بر کسب اطلاع و آگاهی، صلاحیت، مصوبات یا عملکرد اشخاص، باید به تایید و تصویب ناظر برسد. در نظارت استصوابی، ناظر بر اساس قانون و یا قرارداد معین، با حق تصمیم‌گیری نهایی بر مجری نظارت می‌کند. در این نظارت مرجع مافوقی وجود ندارد و همین ناظر، مرجع نهایی است.

۲- اصل ۳۷ قانون اساسی، مرجع صدور آرای قضایی در محاکم و دادگاه‌ها است. با این توضیح، در آنجا که متهم مجرم شناخته می‌شود، قاضی باید با مدرک و دلیل، مجازات آن را تعیین نماید و در آنجا که قاضی دلیل بر مجرم بودن آن پیدا نکرد، باید او را رها نماید و چه بسا در مواردی اعاده حیثیت شود. و ذکر این

نکته لازم است که شورای نگهبان چون رأی قضایی صادر نمی‌کند، لزومی به پیروی از اصل ۳۷ در تمام موارد ندارد.

### ح) اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی اصل برائت در مقایسه فقه و قانون اساسی می‌باشد و سپس، تطبیق آن با رویکرد شورای نگهبان در تفسیر نظارت. هدف دیگر اینکه تحقیق همه‌جانبه‌ای پیرامون مستندات اصل برائت و ارائه راهکاری برای محققین و کسانی که علاقه دارند، در این راستا گام بردارند. سعی ما این است که در هر صورت، در تحقیق مطالب و اظهارنظرها، رویکرد انتقادی داشته باشیم، تا اینکه بتوانیم به صواب نزدیک‌تر شویم.

### ط) پیشینه‌ی مسئله مورد پژوهش

در زمینه اصل برائت یا اصل ۳۷ و نظارت استصوابی، کم و بیش مطالبی به تحریر درآمده است، اما اینکه اصل برائت یا اصل ۳۷ را در قانون اساسی با نظارت استصوابی شورای نگهبان تطبیق نمایند، تا کنون این جانب به مرجع و پژوهش معتبری دست پیدا نکرده‌ام. البته همان‌طور که بیان گردید، دانشمندان علم اصول فقه در کتاب‌های خود، به طور مستوفی از اصل برائت سخن به میان آورده‌اند، ولی هدف ما چیز دیگری است که در بیان مسئله، عرض کردیم.

۱- پایان‌نامه «اصل برائت در نظام حقوقی ایران و مبانی فقهی آن»، به وسیله آقای مسعود مرتضوی در سال ۸۸ به تحریر درآمده است، که بیشتر، اصل برائت در فقه و حقوق را به طور مستقل بحث کرده است.

۲- پایان‌نامه «نظارت استصوابی شورای نگهبان در ثبات نظام» توسط آقای محمدعلی محرمی به رشته تحریر درآمده است. در این پایان‌نامه، نظارت استصوابی را به طور مستقل بحث نموده است، ولی هدف این جانب، این است که اصل برائت واقع در قانون اساسی را بحث نموده و معیار فقیهان شورای نگهبان را در مقایسه با این اصل، مورد نقد و بررسی قرار بدهیم.

### ی) جنبه‌ی نوآوری پژوهش

در این پایان‌نامه، سعی بر این است که اصل برائت در قانون اساسی را با مقایسه شورای نگهبان تفسیر نماییم، که از این جهت، موضوعی تازه بوده و درباره آن، کتاب یا مقاله‌ای تا کنون که درخور توجه باشد، به نگارش درنیامده است.

### ک) روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع کاربردی-بنیادی-توسعه‌ای بوده و از نظر گردآوری اطلاعات، توصیفی-تحلیلی و از طریق مراجعه به کتابخانه و نرم‌افزارهای فقهی و فیش‌برداری و مصاحبه و بحث با اساتید و حقوق‌دانان می‌باشد.

در این پژوهش، ما تلاش کردیم تا جایی که امکان دارد، نظرات را شرح و تفسیر دهیم و در صورت نیاز، آن‌ها را نقد نماییم.

### ل) ساختار پژوهش

این پایان‌نامه در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول، ما به کلیات، مانند اصل برائت، شورای نگهبان، ضرورت نظارت و نظارت استصوابی پرداخته‌ایم و مفاهیم و دیدگاه‌ها در این رابطه را بیان کرده‌ایم. به دلیل اینکه یک طرف بحث ما، اصل برائت می‌باشد و در پژوهش ما، جای مهمی دارد، فصل دوم را به مبانی و ادله برائت اختصاص داده و در آنجا به صورت کامل و مفصل، ادله برائت را بحث کرده و تمامی نظرات را در آنجا آورده و شرح داده‌ایم.

در فصل سوم هم ما به توضیح اصل ۳۷ قانون اساسی پرداخته و بیان کردیم که آیا این اصل، یک اصل قضایی می‌باشد یا جنبه‌های دیگر هم دارد و اینکه عده‌ای از این اصل، استفاده و نظارت استصوابی شورای نگهبان را زیر سؤال برده‌اند را توضیح و نقد کرده‌ایم و نظر خود را در آنجا بیان کردیم. در قسمت پایانی این پژوهش نیز، نتایج و نظرات از مباحث مذکور بیان شده است.

# فصل اول: کلیات و مفاهیم